



پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در شهر تهران

این پیمایش طی دو موج در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹ توسط احمد غیاثوند و با حمایت معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران بین زنان این شهر انجام شده است.

این پژوهش با هدف کلی بررسی و شناخت ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی زنان در شهر تهران به روش پیمایش انجام گرفته است. در کنار این روش، از تحلیل محتوای کیفی در قالب مطالعه‌ای اکتشافی به صورت مصاحبه ساخت نیافته کمک گرفته شده است.

پیمایش با پذیرش دگرگونی در نظام ارزشی جامعه ایران، به ویژه زنان درصدد دستیابی به پاسخ این سؤالات است:

وضعیت ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و زنان شهر تهران بر حسب رفتارهای جنسیتی چگونه است؟
وضعیت ارزش‌ها و نگرش‌های زنان شهر تهران بر حسب عوامل و ویژگی‌های مختلف فردی و اجتماعی چگونه است؟
بعد از توصیف و تبیین ارزش‌ها و نگرش‌های دختران و زنان، چه تفسیری می‌توان از وضعیت و روند رفتارهای جنسیتی دختران و زنان ارائه نمود؟

جمعیت آماری این پژوهش شامل «کلیه دختران و زنان ۱۵ سال به بالای مناطق ۲۲ گانه شهر تهران در سال ۱۳۹۶» است. برای به دست آوردن نمونه‌ای معرف به پیمایش، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای و در بخش کیفی از نمونه‌گیری دسترس‌پذیر استفاده شده است.

چارچوب مفهومی تحقیق، متاثر از نظریه نظام کنش، نظریه رفتار بخردانه آیزن و همکارانش و نظریه مسعود چلبی است که به تعبیری هر رفتاری اعم از فردی و جمعی را وضعیت فرصت، نیاز، انتظار و معنا مرتبط می‌داند؛ بر این اساس رفتار جنسیتی زنان، تحت تأثیر نیازها، انتظارات، فرصت‌ها و معنای جنسیتی آن‌ها است تا از این طریق بتوان به ارزش‌ها و نگرش‌های زنان در عرصه‌های مختلف دست یافت.

با عنایت به ترکیبی بودن روش پژوهش، تحلیل تماتیک صورت گرفته، از بین مسائل و دغدغه‌های زنان، موجب شد هشت رفتار جنسیتی استخراج شود که شامل مواردی از جمله: فرزند آوری، مادری، تمایل به ازدواج، رضایت از زندگی مشترک، رفتار اشتغال، تحصیلات، انجام امور منزل، پوشش، بهره‌مندی از فضاهای جنسیتی است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که در مجموع بیشتر رفتارهای جنسیتی مورد انجام و پذیرش زنان تحت تأثیر میزان احساس هویت‌یابی فردی زنان است؛ همچنین در سطحی تفسیری می‌توان رفتارهای جنسیتی و ارزش‌ها و نگرش‌های زنان را در قالب دو الگوی زیستی و فرازیستی توصیف نمود؛ و نیز می‌توان روند تحولات این رفتارها را از الگوی زیستی به فرازیستی شناسایی و تحلیل نمود؛ به عبارتی در حال حاضر الگوی فرازیستی در قالب ارزش‌ها و نگرش‌های فمینیستی و فردگرایانه پیرامون ابعاد مختلف معنا و هویت‌های جنسیتی زنان بر الگوی زیستی در

حال غلبه شدن است. در این خصوص با توجه به اینکه تراکم دختران، جوان، مجرد، تحصیل کرده و نیز شاغل در گروه الگوی فرازیستی بیشتر است؛ پس این دسته از دختران و زنان جامعه، به لحاظ هنجاری و نیز وجه نظر زندگی روزمره، از آسیب پذیرترین افراد به حساب می آیند. در ادامه برخی از یافته های این پیمایش در سال ۱۳۹۶ (موج اول) ارائه می شود. در پایان نیز متن کامل گزارش موج اول (۱۳۹۶) و موج دوم (۱۳۹۹) این پیمایش قابل دریافت است.

رفتارهای جنسیتی زنان

طبق مطالعه ای مقدماتی و اکتشافی مهم ترین دغدغه ها و مسائل مختلف دختران و زنان شهر تهران شامل مواردی از جمله: فرزند آوری، مادری، تمایل به ازدواج، رضایت از زندگی مشترک، رفتار اشتغال، تحصیلات، انجام امور منزل، پوشش، بهره مندی از فضاهای جنسیتی است.

فرزند آوری زنان: طبق یافته های حاصل در بین زنان متأهل شهر تهران حدود ۱۰ درصد بدون فرزند، ۲۲ درصد یک فرزند، ۳۷ درصد دو، ۱۶ درصد سه فرزند و ۱۶ درصد چهار فرزند و بیشتر دارند؛ دیگر یافته به دست آمده در زمینه تعداد فرزند مطلوب بین متأهلان بیانگر آن است که نشان می دهد که ۴ درصد نداشتن فرزند، ۱۰ درصد به داشتن یک فرزند، ۴۵ درصد به داشتن دو فرزند و ۴۱ درصد به داشتن سه فرزند و بیشتر تمایل داشتند و در مقابل مجردان به ترتیب ۹، ۲۱، ۵۳ و ۱۷ درصد دوست دارند بدون فرزند، یک فرزند، دو فرزند و سه فرزند و بیشتر داشته باشند؛ بنابراین به طور معناداری دختران مجرد تمایل کمتری به داشتن فرزند دارند؛ گر چه در این میان بیش از نیمی از آن ها دو فرزند را برای سطح جانشینی ایدئال دانسته اند.

پذیرش نقش مادری: زنان دارای هویت های سه گانه زنانه، همسری و مادری هستند. این هویت ها به تحولات بیولوژیکی و جسمی زنان گره خورده است؛ این پیوند تا آنجاست که زنان تا سنین خاصی امکان همسری و مادری دارند. به زعم گیلکان زنان هویتی مستقل از همسری و مادری برای خود نمی بینند و بی خود (Selfless) هستند. طبق نتایج مطالعه حاضر در مجموع ۸۱ درصد دختران و زنان نمونه علاقه بسیاری به پذیرش نقش مادری دارند و در مقابل ۷ درصد تمایل چندانی ندارند.

نقش همسری: بر اساس معیارهای مختلف مربوط به نقش همسری در خانواده های شهر تهران، ۸۵ درصد زنان امور منزل را خودشان به تنهایی انجام می دهند و حدود کمتر از ۲ درصد همسر یا دیگر افراد کمک می کنند. در بین دختران مجرد ۳۱ درصد مقید به انجام امور منزل در حد بسیار هستند و در مقابل ۳۴ درصد چندان اهمیت نمی دهند. همچنین ۶۶ درصد در حد بسیار علاقه به انجام امور منزل و در مقابل ۱۳ درصد تمایلی ندارند. رضایت از زندگی مشترک: نتایج به دست آمده نشان می دهد ۷۳ درصد زنان از زندگی مشترک با همسرشان رضایت داشته (۵۲ درصد در حد زیاد و ۲۱ درصد در حد خیلی زیاد) و در مقابل ۷ درصد ناراضی اند (۴ درصد اصلاً و ۳ درصد کم). همچنین یافته دیگری حکایت از آن دارد که ۶ درصد زنان متأهل از زندگی مشترک رضایت ندارند؛ به عبارتی می توان ۴۸ درصد زندگی های مشترک را «خانواده آرام»، ۳۷ درصد «خانواده اهل گفتگو»، ۹ درصد «خانواده امیدوار»، ۵ درصد «خانواده اضطراری» و یک درصد «خانواده های در آرزوی جدایی» را نام نهاد. گرایش به ازدواج: بررسی ها در بین دختران مجرد نشان می دهد یک سوم (۳۷ درصد) آن ها تمایل بسیاری و ۳۱ درصد تمایل چندانی به ازدواج ندارند.

رعایت پوشش: در شهر تهران پوشش غالب زنان در سطح جامعه و خیابان، مانتوی ساده و معمولی است (۴۷ درصد)، حدود یک سوم نیز چادری اند (جمع چادر با روسری و شال و چادر با مقنعه ۳۵ درصد). البته با توجه به اینکه ۳۵ درصد زنان در سطح شهر تهران چادری اند در مجموع می توان فقط حدود ۹ درصد آن ها در سفرهای خارجی از چادر استفاده می کنند.

میزان تحصیلات: حدود ۴۰ درصد زنان و دختران مورد مطالعه تحصیلات دانشگاهی (یک درصد دکتری، ۹ درصد کارشناسی ارشد و ۳۰ درصد کارشناسی) و نیز ۳۰ درصد زیر دیپلم‌اند. این در حالی است که ۲۵ درصد تا مقطع دکتری، ۲۰ درصد تا مقطع کارشناسی ارشد به ادامه تحصیل تمایل دارند. از طرفی دختران مورد مطالعه در زمینه وضعیت تحصیلات همسر آینده ۳۲ درصد در مقطع دکتری، ۳۰ درصد مقطع کارشناسی ارشد و ۲۷ درصد کارشناسی را در مدنظر دارند.

وضعیت اشتغال: زنان شاغل با ۱۹ درصد و زنان خانه‌دار با ۶۳/۵ درصد بیشترین نسبت نمونه در این مطالعه بودند. البته ۲۳ درصد زنان تمایلی به سرکار رفتن ندارند و در مقابل ۶۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد دارند. در واقع با این وضعیت نسبت دختران و زنانی که علاقه‌مند به سرکار رفتن هستند با نسبت خانه‌دارها در حال حاضر برابری می‌کند.

در شهر تهران پوشش غالب زنان در سطح جامعه و خیابان، مانتوی ساده و معمولی است (۴۷ درصد)، حدود یک‌سوم نیز چادری‌اند (جمع چادر با روسری و شال و چادر با مقنعه ۳۵ درصد)

هویت‌یابی جنسیتی زنان

مقایسه انواع وضعیت‌های احساس هویت جنسیتی زنان پیرامون رفتارهای جنسیتی، نشان می‌دهد که به ترتیب حفظ و تداوم زندگی مشترک با میانگین ۴.۳۳، افتخار به مادر شدن با میانگین ۴.۱۲ اهمیت دادن به انجام امور منزل با میانگین ۳.۹۹ ارزش فرزند و داشتن فرزند با میانگین ۴.۱۲ بهره‌مندی از فضاهای فراغتی زنانه با میانگین ۳.۹۷ ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر با میانگین ۳.۸۹ حفظ و داشتن پوشش موردنظر با میانگین ۳.۸۵ شاغل شدن و اهمیت دادن به کار با میانگین ۳.۳۱ و درنهایت ازدواج و تشکیل خانواده با میانگین ۳.۲۰ به ترتیب از جمله مواردی هستند که برای دختران دغدغه و بیش از سایر موارد اهمیت دارند.

در واقع چنانچه ملاحظه می‌گردد احساس هویت در زمینه حفظ زندگی زناشویی در بین زنان متأهل برابر با ۴.۳۳ بوده و در مقابل اهمیت دادن به ازدواج و تشکیل خانواده در بین مجردان با میانگین ۳.۲۰ کمترین مقدار را نشان می‌دهد. در واقع مشاهده می‌شود مهم‌ترین دغدغه زنان متأهل جامعه شهری تهران حفظ و پایداری زندگی مشترک است؛ از سویی ازدواج کردن و تشکیل خانواده کمترین دغدغه مجردان است.

استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی برای دسته‌بندی و بررسی همبستگی میان هویت‌های مختلف نشان می‌دهد که احساس هویت در قبال مادری، فرزند آوری، رعایت پوشش و امور منزل در یک عامل قرار می‌گیرند و در مقابل احساس هویت درباره اشتغال و تحصیل در گروه دیگر است که به ترتیب نوعی هویت جنسیتی وابسته زنان و هویت جنسیتی مستقل را تداعی می‌کنند؛ به عبارتی، در خصوص هویت وابسته زنان خودشان را با دیگری (همسر، فرزند و ...) پیوند می‌زند؛ در مقابل هویت جنسیتی مستقل، هویت زنان است بر اساس تلاش، انگیزه‌ها و فرصت‌های زندگی و در فرایندی اکتسابی به دست می‌آید.

زنان دارای هویت سه‌گانه‌ای هستند که در کنار هم اضلاع مثلثی را می‌نمایند: هویت زنانگی، هویت همسری و هویت مادری. هویت تام و کمال زنان در گرو دارا بودن این سه نقش با در یک خانواده منسجم است. از میان این سویه‌های هویت، زنانگی قائم‌به‌ذات زنانه است که هویت جنسی آن‌ها را تشکیل می‌دهد؛ اما همسری و

مادری هویت‌های جنسیتی است که جامعه آن را برای زنان تجویز می‌کند و در قالب انتظارات نقشی خود را نشان می‌دهد. البته قرار گرفتن زنان در کنار مردان در چارچوب ازدواج و پس از آن فرزند آوری در قالب خانواده آنان را به هویت همسری و مادری می‌رساند؛ همسرانی که فرزند آوری را نیز تجربه می‌کنند هویت تام اجتماعی را کسب می‌کنند.

فرصت‌های جنسیتی زنان

همان‌طور که بحث گردید «فرصت جنسیتی» نوعی «امکان و موقعیت» ایفای نقش را برحسب موقعیت و محدودیت‌های مختلف مالی، جسمی، اجتماعی و ... برای دختران و زنان فراهم می‌آورد. در این میان مقایسه فرصت‌های جنسیتی زنان پیرامون ۸ رفتار موردنظر، نشان می‌دهد که وقت نداشتن برای انجام امور منزل با میانگین ۳.۷۱ فرصت کم برای فرزند آوری با میانگین ۳.۴۳ امکان و فرصت ازدواج برای دختران با میانگین ۳.۱۹ بهره‌مندی از فضاهای فراغتی زنانه با میانگین ۲.۸۸ مسائل مختلف در زندگی مشترک با میانگین ۲.۶۶ محدودیت برای ادامه تحصیل با میانگین رتبه ۲.۷۴ فرصت مادر شدن با میانگین رتبه ۲.۲۶ محدودیت‌های مربوط به سرکار رفتن با میانگین ۲.۵۷ و درنهایت محدودیت در داشتن پوشش موردنظر با میانگین ۱.۴۴ از جمله مشکلات و موانعی هستند که زنان در شهر تهران به ترتیب با آن مواجه‌اند.

در واقع چنانچه ملاحظه می‌گردد نداشتن فرصت برای انجام وظایف همسری، نداشتن امکان و موقعیت داشتن فرزند برای زنان متأهل و نیز نداشتن امکان و فرصت ازدواج برای دختران مهم‌ترین مسائل زنان و در مقابل داشتن پوشش دلخواه و شاغل شدن کمترین محدودیت را برای زنان متأهل نشان می‌دهد. همچنین دختران مجرد در مقایسه با متأهلان محدودیت کمتری در قبال داشتن پوشش دلخواه، ادامه تحصیل، انجام امور منزل و استفاده از فضاهای تک جنسیتی در سطح شهر دارند.

هنجارهای جنسیتی زنان

طبق بررسی به‌دست‌آمده، هنجارهای اجتماعی مربوط به ادامه تحصیل با میانگین ۴.۹؛ تداوم زندگی مشترک با میانگین ۴.۳؛ فرزند آوری با میانگین ۳.۹؛ پذیرش نقش مادری با میانگین ۳.۹؛ هویت همسری و رعایت پوشش دلخواه با میانگین ۳.۶؛ بیش از سایر رفتارهای جنسیتی است؛ در مقابل انجام رفتارهایی از قبیل شاغل شدن با میانگین ۲.۵؛ ازدواج کردن به‌موقع دختران با میانگین ۳.۵ و بهره‌مندی از فضاهای جنسیتی با میانگین ۳.۵ کمتر مورد انتظار زنان است.

نکته قابل‌تأمل و تقابل اینکه در عین اینکه خانواده‌ها و اطرافیان از زنان توقع بسیاری دارند تا زندگی مشترکشان را حفظ کنند؛ در مقابل از دختران مجرد کمتر انتظار دارند که به فکر ازدواج و تشکیل خانواده باشند. همچنین بیشترین انتظار از سوی خانواده و اطرافیان نسبت به دختران و زنان جامعه در قبال درس خواندن (با بیشترین فراوانی برای مقطع لیسانس با ۲۹ درصد) و نیز مقطع دکتری (۲۴ درصد) و در مقابل کمترین توقع جامعه از زنان، مربوط به سرکار رفتن (بیشترین فراوانی برای گزینه اصلاً ۳۹ درصد) است؛ بنابراین جامعه زنان شهر تهران در عین اینکه از دختران انتظار دارند که ادامه تحصیل بدهند، چندان توقع ندارد که به سرکار بروند.

طبق مطالعه‌ای اکتشافی ابتدا معنای هر یک از رفتارهای جنسیتی مورد مطالعه قرار گرفت، به نحوی که با تحلیل تماتیک و سنخ‌شناسی مفاهیم و مقولات حاصل، در نهایت چهار معنا یا برداشت حاصل شد که عبارت‌اند از: معنای فردگرایانه، فمینیستی، کارکردی و دینی. البته دو معنای کارکردی و دینی را می‌توان گرایش «نهادمحور» و جهت‌گیری فردگرایانه و فمینیستی را گرایش «فردمحور» نام نهاد.

طبق یافته‌های حاصل معنای فرزند در بین دختران و زنان شهر تهران بیشتر کارکردی (۴۰ درصد) و در مقابل کمتر فمینیستی، در خصوص پذیرش نقش مادری معنای قالب بیشتر کارکردی (۵۳ درصد) و کمتر فمینیستی (۶ درصد)، درباره شاغل شدن زن بیشتر گرایش‌ها فردگرایانه (۵۵ درصد) و کمتر فمینیستی (۱۰ درصد)، معنای تحصیل کردن بیشتر معنایی فردگرایانه (۳۷ درصد) و کمتر فمینیستی (۷ درصد)، نگرش دختران به ازدواج بیشتر افراد معنایی دینی و کارکردی (هر دو مورد ۳۳ درصد) و کمتر فردگرایانه (۱۵ درصد)، معنای بهره‌مندی افراد از فضاهای جنسیتی عمدتاً فهمی فردگرایانه و دینی (۳۵ و ۳۰ درصد) و کمتر کارکردی (۱۴ درصد)، در بین زنان رعایت پوشش عمدتاً معنایی فردگرایانه و فمینیستی (به ترتیب ۳۴ و ۲۷ درصد) و کمتر دینی و کارکردی (هر دو ۱۹ درصد)، معنای انجام امور منزل بیشتر فمینیستی (۵۸ درصد) و کمتر دینی (۶ درصد) است.

در واقع مشاهده می‌گردد بیشترین معنای رفتار جنسیتی زنان (۵۰ درصد و بالاتر) از نوع فمینیستی مربوط به هویت همسری (میزان انجام امور منزل)، تمایل به ازدواج؛ بیشترین معنای فردگرایی درباره سرکار رفتن زنان و ادامه تحصیل نمودن و در آخر بیشترین معنای کارکردی مربوط به پذیرش نقش مادری است.